فصلنامه مطالعات سیاست بین‌الملل
دوره ۲، شماره ۱، شماره پیاپی (۲)، بهار ۱۴۰۱، ص ۱۲۹ ـ ۱۰۵
مقاله پژوهشی

منظومه‌های معنادار حامی تصمیم ترامپ در پذیرش بیت‌المقدس به پایتختی اسرائیل

محمدباقر خوبی‌نژاد[۱]، جواد دادمهر[۲]، حمید جهان‌آرا[۳]، علی خوبی‌نژادیان[٤]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

چکیده:

تصمیم اخیر ترامپ در پذیرش بیت المقدس به پایتختی رژیم اسرائیل با واکنش های جهانی عمده ای روبرو شده و چالش مهمی را در سرزمین های اسلامی ایجاد کرده است. بعد از اتخاذ چنین تصمیمی، پژوهشگران و صاحب نظران از زاویه های گوناگون به تحلیل آن پرداخته اند؛لیکن تحلیل تصمیم ترامپ از بعد اندیشگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. درحقیقت این تصمیم بر مبانی و منظومه های معنایی و دینی خاصی استوار است که ریشه در آموزه های توراتی از قبیل ارض موعود، آوراگی یهود، بازگشت به سرزمین موعود و هم چنین ریشه در آموزه های مسیحیت صیهونیستی و اندیشه های آخرالزمانی و موعودباورانه آنان دارد. در نتیجه ی این تصمیم اوضاع پیچیده منطقه خاورمیانه از جمله فلسطین بحرانی تر و رادیکال تر شده است و پیامد دیگر آن به وجود آمدن منتفعین و متضررین بحران است. منتفعین بحران به وجود آمده را در وهله نخست می توان اسرائیل و متضررین آن را به صورتی کلی جهان اسلام نامید.دراین میان منتفعین و متضررین خود به چند دسته تقسیم می شوند که براساس رویکردهای آنان به بحران از منتفع یا متضرربودن آنان کاسته و یا افزوده خواهد شد.

واژگان اصلی: بیت المقدس، منظومه های معنادار، ترامپ، اسرائیل.

۱. کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) bagher.koobi@yahoo.com
۲. دانشجویی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
۳. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
٤. دانشجوی دکترا مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

مقدمه

اهمیت بعد اندیشگی بحران در بیت المقدس در پی تصمیم دونالد ترامپ در پذیرش اورشلیم (بیت المقدس) به عنوان پایتخت اسرائیل به خصوص در بعد اندیشگی یهودی- مسیحی کمتر مورد توجه و دقت نظر پژوهشگران قرار گرفته است. ماهیت مسئله یا بحران و نحوه ی تفکر اسلامی نسبت به تصمیم ترامپ در مورد بیت المقدس تا حدود زیادی برای خوانندگان آگاه و روشن است. در چارچوب تفکر اسلامی، نوع نگاه و زاویه دید به بیت المقدس اساساً ماهیتی اسلامی دارد و اسلامی بودن آن ریشه در گفتمان قرآنی دارد (انصاری قمی، ۱۳۸۰: ٥٤). در گفتمان قرآنی در آیات بسیاری بر مبارک و مقدس بودن مسجدالاقصی و بیت المقدس اشاره شده است. در ادبیات قرآنی مخصوصاً در سوره های اسراء و سوره اعراف بر مقدس بودن و پرنعمت بودن آن در کنار مسجدالنبی تاکید شده است.(قرآن مجید) قبله اول بودن مسجدالاقصی برای مسلمانان در واقع آن مکان را در کنار مسجدالحرام و مسجدالنبی به عنوان بزرگ ترین مکان های مقدس مسلمانان نشانده است. در ادبیات روایی و حدیثی مسلمین نیز اهمیت این مکان آشکار و مبرهن است. مجموع این نظام اندیشگی منبعث از قرآن و احادیث پیامبر(ص)، جملگی بیانگر اهمیت بیت المقدس در گفتمان است.

در بررسی روند تاریخی بحران در بیت المقدس می توان به این نکته پی برد که نخستین منظومه ی معنایی – هویتی برای بازیگر مسلمان در رویارویی با اعلام موجودیت رژیم اسرائیل تاکید بر قومیت عربی و پان عربیسم بود. شکست این نگرش در جنگ های اعراب و اسرائیل منجر به به وجود آمدن نوع نگاه دیگری به بحران شد و آن، رویکرد «اسلامی نمودن» رویارویی با بحران بود. به تعبیری دیگر، منظومه های معنایی برای بازیگر مسلمان در طول سالیان بحران از قومیت گرایی عربی آغاز و رفته رفته به سمت اسلامی نمودن بحران پیش رفت. شناخت نگرش های هستی شناسانه‌ی مسلمانان در مورد بیت المقدس بسیار مورد توجه و دقت نظر پژوهشگران قرار گرفته است؛ لیکن شناخت بعد اندیشگی بحران به وجود آمده در نگاه طرف یهودی-مسیحی کمتر مورد اعتنا و تدقین تحلیل گران قرار گرفته است. به بیانی دیگر، شناخت ذهنیات طرف دیگر بحران (آمریکا و اسرائیل) ریشه در نظام اندیشگی برگرفته از الهیات دینی- مذهبی آنان دارد و واکاوی و معناکاوی این موضوع ما را دررسیدن به تحلیل درست رهنمون می سازد. برای پی بردن به نظام اندیشگی آنان در موضوع مورد مناقشه (بیت المقدس یا اورشلیم) الاهیات یهودی و مسیحی(نوع پروتستانی) مورد واکاوی قرار گرفته و براین اساس در می یابیم که نوع نگاه آنان به

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

ماهیت بحران، اساساً ریشه در متون دینی مورد قبول آنان دارد. در حقیقت تحقیق پیش رو به سوالات اساسی و مهمی از قبیل؛ کدام منظومه های هویتی – معنایی دینی تصمیم ترامپ را در خصوص پذیرش بیت المقدس به عنوان پایتخت اسراییل حمایت و پشتیبانی می کند؟ و آثار و پیامدهای این تصمیم در سطح منطقه ای و بین المللی برای بازیگران درگیر بحران چه خواهد بود؟ پاسخ می دهد و در این راستا می توان مدعی بود که منظومه های هویتی حامی و پشتیبان تصمیم ترامپ را می توان در آموزه های توراتی ازجمله ارض مقدس، دیاسپورا، آرمان بازگشت به سرزمین موعود و الاهیات مسیحیت صیهونیستی و اندیشه های موعودگرایانه و آخرالازمانی آنان جست و جو نمود. و در پاسخ به سوال دوم می توان گفت مهم ترین پیامد اتخاذ این تصمیم، پیچیده و رادیکال تر شدن فضای عمومی خاورمیانه از جمله بیت المقدس است و شناسایی منتفعین و متضررین بحران در سطح منطقه ای و بین المللی ما را در رسیدن به پیامدهای اتخاذ این تصمیم یاری می رساند.

ادبیات پژوهش

دکتر شجاع احمدوند(۱۳۸۹) در مقاله ای تحت عنوان« اسرائیل و ایدئولوژی صیهونیسم سیاسی» به بررسی مبانی تاریخی–ایدئولوژیکی صیهونیسم پرداخته و اسطوره های دینی مورد نظر آنان را مورد بررسی قرارمی دهد؛ از جمله اسطوره ده سبط گمشده ی بنی اسرائیل، اسطوره تبعید بابلی، آوراگی یهودیان، اسطوره هلوکاست.

احمدوند در این مقاله معتقد است که با نگاهی تاریخی می توان رویکردها و اسطوره های مورد نظر صیهونیسم را دریافت و از رهگذر شناخت آنان به ماهیت حرکت های صیهونیستی پی برد. دکتر ابراهمی برزگر در مقاله ای تحت عنوان« مساله فلسطین در اندیشه سیاسی اسلام معاصر و روش جستاری اسپریگنز» به تجزیه و تحلیل بحران و روش های رویارویی با بحران برای دو بازیگر یهودی و مسلمان پرداخته و براساس روش جستاری اسپریگنز در وهله نخست درصدد علت یابی مشکل و بحران برمی آید و سپس براساس شواهد و داده ها به راه حل شناسی بحران برای بازیگران می پردازد و در نهایت رویکردهای جمهوری اسلامی در قبال بحران را رویکردی

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

منطقی و نتیجه بخش قلمداد می نماید. فرهنگ رجایی در مقاله ای تحت عنوان «درآمدی بر اندیشه سیاسی معاصر عرب» به بحران فلسطین اشاره می کند و ناسیونالیسم عربی را نخستین مرحله رویارویی اعراب با اسرائیل می داند که این ناسونالیسم با جمال عبدالناصر آغاز می شود و به شکست هایی همه جانبه برای اعراب می انجامد. مرتضی شیرودی (۱۳۸۳) در مقاله ای تحت عنوان «مبانی سیاسی–اجتماعی صیهونیسم» به این نتیجه رسید که ریشه های اجتماعی و سیاسی صیهونیسم به یهود ستیزی، اندیشه های مارکسیستی ، ناسیونالیستی و... برمی گردد و پس از بررسی مبانی صیهونیسم به بررسی روند تاریخی و سیستم قیمومیت پرداخته و اعلامیه بالفور را مورد نقد قرار داده و مبانی صیهونیستی تشکیل دهنده رژیم کنونی اسرائیل را بازمی شناسد. دکتر شجاع احمدوند و احمدعزیر خانی (۱۳۸۹) در مقاله ای تحت عنوان« آخرالازمان در نگاه مکتب صیهونیست مسیحی » مبانی و مراحل آخرالازمانی مورد اعتقاد این جنبش دینی را مورد واکاویی قرار داده و اندیشه های موعودباورانه آنان را رکن اساسی تفکر مسیحیت صیهونیستی می داند که در قالب اسطوره های بازگشت یهودیان به فلسطین، بازسازیی معبد سلیمان ، مرحله شعف، نبردنهایی آرماگدون و پیروزی خیر بر شر نمود پیدا می کند. در بررسی متون یاد شده می توان خلاء مهمی را مشاهده نمود و آن عدم پیوند موضوعات روز با مبانی و اسطوره های دینی و مذهبی مورد قبول آنان است. به بیانی دیگر در این پژوهش تلاش شده است ارتباط معنادار میان موضوع (تصمیم ترامپ در پذیرش بیت المقدس به پایتختی اسرائیل) و منظومه های معنایی دینی حامی آن شناسایی شده و پیوند عمیق موضوع و منظومه های معنایی دینی روشن گردد. در این راستا در درجه نخست بررسی مبانی دینی موضوع اعم از مبانی یهودی و مسیحی از اهمیتی اساسی برخوردار گردیده و پس از بررسی منظومه های معنایی به اصل موضوع و پیامدها و نتایج آن پرداخته می شود. هدف اصلی این مقاله منظومه های معنادار حامی تصمیم ترامپ در پذیرش بیت المقدس به پایتختی اسرائیل و روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد

الاهیات یهودی در مورد قوم یهود و ارض مقدس

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

نوع نگاه طرف یهودی به موضوع اساساً ریشه در متون مقدس دینی آنان دارد و مستقیماً با هویت آنان پیوند برقرار می کند. تورات کتاب مقدس یهودیان است و به معنی شریعت یا ناموس است. تورات به اسفار پنج گانه یعنی سفر پیدایش [۱]، سفر خروج[۲]، سفر اعداد[۳]، سفرلاویان[٤]و سفر تثنیه[٥] اطلاق می شود. (شاله،۱۳۵۵ ش، ۲۸۲-۲۷۲) براساس تعالیم تورات از زمان حضرت ابراهیم(ع) همواره نوعی گفت و گویی میان خدا (یهوه) و بنی اسراییل به وجود آمد. این گفتگوی دایمی و مستمر اساس تاریخ یهود را تشکیل می دهد. براساس روایات عهد عتیق به ویژه در نخستین سفر از اسفار تورات(یعنی پیدایش) خداوند به پیامبر برگزیده خود یعنی ابراهیم امر می کند که از سرزمین اصلی خود یعنی بین النهرین و در کنار رود فرات به سوی سرزمین کنعان مهاجرت نماید. ابراهیم و خانواده اش چون از آن سوی فرات آمده بودند، در موطن تازه شان به عِبرانیان معروف شدند، اصطلاحی که معمولاً از ریشه واژه های به معنای « آن سوی دیگر» اخذ شده است. (اپستین، ۱۳۸۵: ۷) در این سرزمین جدید است که مالکیت سرزمین کنعان به ابراهیم و ذریه او وعده داده می شود؛ لیکن این مالکیت با پیروی از دستورات خداوند گِره خورده است. (سفرخروج، باب ۷، آیه ۸) براساس تعالیم تورات بعد از ابراهیم نسل پیامبری به فرزند کوچک آن یعنی اسحاق منتقل می شود و وعده ی الهی در مورد مالکیت سرزمین مقدس از این طریق به اسحاق و نوادگان وی می رسد. (سفرپیدایش، ابواب ۲۱-۲٤-۳۱-۳۹) با توجه با این که در نوشتار پیش رو قصد ورود به تاریخچه بنی اسرائیل را نداریم، تلاش می کنیم به مهم ترین انگاره های دینی آنان در مورد ارض مقدس بپردازیم. براساس روایات عهد عتیق ذریه یعقوب در کنعان سکنی گزیدند و پس از استقرار در این سرزمین، نام کنعان به «اسرائیل» و«ارض مقدس» تغییر یافت. (کلباسی اشتری،۱۳۸٤: ٦۹) براساس مطالب بیان شده بنی اسرائیل قوم برگزیده

[۱] genese

[۲] Exode

[۳] nombers

[٤] levitigue

[٥] deuterronome

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

خداوند(یهوه) هستند که سرزمین اسرائیل براساس عهد یهوه و حضرت ابراهیم به وی و ذریه اش اعطا گردید. داستان زمانی جالب می شود که بدانیم تاریخ قوم یهود همواره با جدایی از سرزمین موعود گره خورده است. درزمان یعقوب، بنی اسرئیل به سوی مصر مهاجرت می کنند و مدت زیادی در آن جا سکنی می گزیند ولی همواره در «آرزوی بازگشت به سرزمین موعود» به سرمی بردند. خروج بنی اسرائیل از مصر در دوره حضرت موسی آغاز می گردد . در این دوره تصرف سزمین وعده داده شده فرض واجب از سوی یهوه بر بنی اسرائیل دانسته می شود.(سفر تثنیه، باب ٣٤) در نهایت بعد از گذشت سالیانی دراز با ضرب زور و شمشیر ارض مقدس به تصرف بنی اسرائیل در می آید. ارض مقدس که به ذریه ابراهیم وعده داده شده بود در زمان داود شکل جدیدی می گیرد؛ زیرا براساس تعالیم یهود شهر اورشلیم به وسیله داود تجدید بنا گردید. اورشلیم در واقع بر فراز تپّه‌هایی که از سه جهت جلگه بر آن محیط است و معبدی بر بـالای کوه صهیون و کوه زیتون آن را احاطه نموده، بنا گردیده است.(حمیدی،١٣٨٨: ٦٧) اورشلیم، ترکیبی از دو واژه «اور» و «شلیم» است. «اور» در عبری به معنی آتش، روشنایی، مقدس و «شلیم» به معنای شهر، صلح، سلامتی و آرامش ذکر شده است. بر روی هم اورشلیم معنی شهر مقدس، شهر روشنایی، شهر صلح و آرامش و هم چنین میراث مقدس معنی می دهد. (هاکس،١٣٧٧: ١٣٤) بعد از ساختن اورشلیم و به قدرت رسیدن سلیمان، درزمان وی معبد(هیکل) سلیمان ساخته می شود. معبد به مرکزی برای نهادمندی مناسک دینی و یکپارچه سازی امور دینی یهودیان بدل گشت و تابوت عهد[1] به این مکان مقدس منتقل گردید.(حمیدی، همان:٨٣-٧٩)

آوارگی (دیاسپورا) بنی اسرائیل و شکل گیری آرمان بازگشت به سرزمین مقدس

دیاسپورا لفظی یونانی به معنی جوامع پراکنده یا تبعیدی است.(ویلسون، ١٣٨١: ٢٦) پراکندگی، اسارات، آوارگی، سرکوب در تاریخ قوم یهود همواره نکته ای کلیدی است و همین اسارت ها و آوارگی (دیاسپورا) در دوره های بعد موجب بازتولید هویت یهودی در طول تاریخ گردیده است. نخستین اسارت یهود در سال ٥٩٧ پیش از میلاد توسط بخت النصر شاه بابل اتفاق افتاد. بخت النصر اورشلیم را غارت نمود و هزار نفر از برزگان یهود را به بابل تبعید کرد که شاه یهود جز این اسیران بود. دفعه دوم اسرات بابل نه سال بعد اتفاق افتاد. علت آن این بود که صدقیا،

[1]- در تابوت عهد آثار باقیمانده از حضرت موسی(ع) نگهداری می شود.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

شاه دست نشانده یهود ، بعد از نه سال بر بخت النصر شورید. این بار لشکر بخت النصر به کشور یهود حمله نمود و پس از شکستن مقاومت بنی اسراییل به گشودن شهر اورشلیم، اول آن شهر را غارت کردند و سپس بسیاری از یهودیان را کشتند و شهر را آتش زدند و معبد اورشلیم را ویران نمودند و همه ی مخلفات و آثار باقی مانده از حضرت موسی را مانند تابوت عهد از میان بردند.(فضایی،۱۳٦۱: ۹۱-۸۷)

واقعیت تاریخی دیگری که مقوم بخش الهیات یهود در مورد بازگشت به سرزمین مقدس بود،در اواسط قرن اول پیش از میلاد روی داد و براساس آن ملت یهود دچار غضب دولت روم شد و رومیان حاکمانی ناباب از سوی خود بر یهودیان گماشتند، و این امر باعث نارضایتی یهودیان شد. در نتیجه این دخالت ها شورش هایی از طرف یهود به عمل آمد تا در سال ٦٧ میلادی در زمان امپراطوری تیتوس سپاه روم به اورشلیم حمله کردند و معبد اورشلیم دوباره به آتش کشیده شد و شهر به کلی ویران و با خاک یکسان گشت.(همان ،۹۰) اسارت بابلی و سپس سرکوب رومی برای بنی اسرائیل مبدا نوعی آرمان گرایی مبتنی بر عناصر قومیت و ملیت شده است که عناصر آن را می توان در عهد عتیق ملاحضه کرد. بر همین مبنا زمین و خاک از اهمیتی اساسی در نزدیهود برخوردار گردید.(کلباسی اشتری،همان: ٤٢٣) اسارت بابلی و دیاسپورا با مفهوم نجات در کتاب مقدس و آرمان های قوم یهود ارتباط نزدیکی دارد. دوران طلایی برای یهود[۱]، اسارت بابلی و رومی مفاهیمی را پرورش دادند که به نوعی منجی گرایی آخرالازمانی انجامید. (همان، ۳۸٤-۳۸۱) منجی گرایی با رهایی قوم یهود از یوغ دیگران و بازگشت به ارض مقدس ارتباط معناداری پیدا کرد. بنابراین یهود در انتظار منجی برای رهایی و تصرف سرزمین مقدس نشست.در الاهیات برگرفته از متون مقدس یهودی سه آموزه مرتبط با موضوع به چشم می خورد.نخستین مورد «آموزه ی برگزیده بودن» قوم یهود است که همواره در طول تاریخ به بازتولید هویت یهودی مدد رسانده است. دومین آموزه مفهوم «ارض مقدس و عهدخداوند با ابراهیم» است که براساس آن ارض مقدس به ذریه ابراهیم بخشیده شده است و آموزه ی سوم «بازگشت به سرزمین مقدس و انتظارموعودگرایی» است که در اسارت بابلی ریشه دارد. این آموزه ها در حقیقت منظومه های معنایی برای شناخت تفکر یهودی در موضوع مورد نظر برای تحلیل گر به دست می دهند و با

[۱]- یهودیان از دوران داود و سلیمان به عنوان دوران طلایی نام می برند.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

شناخت این منظومه های معنایی ابعاد مختلف موضوع شکافته می شود.

الاهیات مسیحی در مورد یهود و ارض مقدس

شناخت منظومه هایی معنایی مربوط به مسیحیت و هم چنین تغییرات تفکر مسیحی براساس نهضت اصلاح دینی از دیگر ملزوماتی است که در وضعیت کنونی رخ داده در بیت المقدس می باید مورد ارزیابی و واکاوی قرار گیرد. مارتین لوتر معمار نهضت اصلاح دینی برعلیه سنت آمرزش گناهان توسط کلیسای کاتولیک شورید و با نصب فهرستی از ۹۵ مسئله بردرکلیسای ویتن برگ، اختیار پاپ را در صدور آمرزنده ها مورد سوال قرارداد. (ویلسون،همان: ۳۲-۲۷) انتقادات لوتر به آمرزش گناهان سپس به سایرحوزه ها تسری پیدا کرد و نهضت پروتستان شکل گرفت. نکته مهم توجه تاثیرپذیری اصلاح گران دینی از تعالیم عهدعتیق است به گونه ای که می توان پروتستانتیسم را نوعی بازگشت و رجعت یهودیان به عهد عتیق یا تورات نامید. ذهنیت مسیحیان نسبت به قوم یهود در قرون متمادی همواره ذهنیتی منفی بود. این ذهنیت منفی از آموزه های انجیل ناشی می شد؛که یهودیان را به عنوان قاتلان مسیح در نظر می گرفت. در طی قرون متمادی ازآنان به عنوان شیاطین، قاتلان مسیح و کسانی که بوی خاصی از آن ها به مشام می رسد، نام برده می شد.(هلال، ۱۳۸۳: ۳٦) مارتین لوتر در کتاب « عیسی مسیح یک یهودی زاده شده» این ذهنیت منفی را به چالش کشاند. لوتر در این کتاب «به ترویج ایده نژادپرستانه برگزیدگی و برتری قوم یهود نسبت بـه سـایر اقوام و ملل روی زمین» پرداخت.(دوست محمدی و رجبی،۱۳۸۸: ۱٤۰) در « دانشنامه یهود» در مورد لوتر چنین آمده است: « لوتر ضمن طرح اینکه یهودیان جهت رسـانیدن پیـام خـداوند به تمامی جهانیان انتخاب شده‌اند، آن‌ها را مورد ستایش قرار می دهد. او می گویدکه یهودیان حامل برترین خون‌ها در رگ های خود هستند. روح القدس به واسطه آن‌ها کتاب مقدس را به اقصی نقاط دنیا بـرد. آن‌ها فرزندان خدایند. مـا در مـقایسه با آن‌ها بیگانه‌ایم. همانطور که در داستان زن کنعانی آورده شده است؛ ما همچون سگانی هستیم که از خرده نان‌های بر زمین ریخته اربابان خود ارتزاق می‌کنیم.(صاحب خلق،۱۳۸٤: ۲۹) در نوشته های ژان کالون نیز علایم و شواهد یهودیزه شدن از جمله حلیت سود و بهره، پذیرش تورات مقدس به عنوان مرجع اصیل وجود داشت. وی مانند لوتر سخنان ستایش آمیزی را در ارتباط با یهودیان بر زبان آورده به گونه ای که عده ای او را یه یهودی بودن متهم نمودند.(همان،۳۳)

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

برگزیده انگاشتن یهودیان توسط فرق منشعب از پروتستانتیسم همچون پیورتانیسم ادامه یافت.«پیـوریتان نـامی بـود که در قرن شانزدهم به پروتستان‌های افراطی کلیسای انگلستان که می‌پنداشتند اصـلاحات انـگلیسی به اندازه کافی به اصلاح ساختار و عقیده کلیسا نپرداخته است، داده شد .پیوریتانیزم توسط فردی پروتستان بـه نـام ویـلیام تیندل و به عنوان شاخه‌ای از کالوینیسم پایه‌گذاری گردید.(دوست محمدی،همان:۱٤۱) دایره المعارف یهود، پیوریتانیزم را این‌چنین معرفی کرده است:«پیوریتانیزم کـه سـاختار هـنجارهای اخلاقی آن تماماً منطبق با تورات است، به عنوان یهودی‌گری انگلیسی نامیده می‌شود. دایره المعارف یـهود از پیـوریتانیزم ذیل سرفصل هواداران یهود سخن به میان می‌آورد. در این فصل، واژه Judaizers چنین توضیح داده می‌شود کـه هـواداران یـهود کسانی هستند که در عین حالی که یهودی نیستند اما بخشی از آیین یـهود و یـا تمام آن را در زندگی خود به‌کار می‌برند و یا کسانی هستند که خود را یهودی می‌نامند». (صاحب خلق،همان: ۳٦-۳۵) پیوریتان ها حمایت های استراتژیکی از یهودیان زمان خود به عمل آوردند.پادشاه انگلستان در قرن سیزدهم به اتهام ربا خواری و استثمار مردم کلیه یهودیان را از کشور خود اخراج نمود؛ زیرا کلیسای کاتولیک براساس تفسیر انجیل، سود و ربا را حرام شمرده و آن را ممنوع نموده بود.[1] یهودیان خواستار بازگشت به انگلیس بودند؛ زیرا براساس تعالیم تورات قبل از ظهور منجی، یهودیان می باید در تمام دنیا پخش می شدند و پراکندگی یهود در جهان قبل از ظهور از در نزد آنان نکته ای مهم بود.(سایزر، ۱۳۹٦: ۷۰)پیوریتن ها که احترام زیادی برای تورات قائل بودند در راستای تحقق این پیش گویی از یهودیان به مثابه قوم برگزیده حمایت به عمل آورده و مقدمات بازگشت آنان به انگلیس را فراهم نمودند.(صاحب خلق،همان، ۳۹-۲۸) در همین راستا، پیورتن ها بیشترین تلاش را برای بازگشت یهودیان به سرزمین ها ی مقدس انجام دادند، زیرا معتقد یودند پیش از بازگشت مسیح، یهودیان باید به سرزمین مقدس و ارض موعود بازمی گشتند.(Barnavi,1992,p.140) نهضت پروتستان به صورت کلی اذهان منفی نسبت به یهودیان به چالش کشید و به آنان جایگاه ویژه ای بخشید؛ به گونه ای که برتر بودن قوم یهود در فرقه پیوریتانسیم به اوج خود رسید.رویداد تاریخی مهمی که پیوریتانیسم پروتستانی را به یهودیت توراتی بیشتر نزدیک گردانید، مهاجرت عده ی زیادی از پیوریتان ها به عنوان نخستین مهاجران به

[1]- در تورات سود و ربا مورد حمایت بود.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

قاره آمریکا بود.آنها در سال ۱۶۲۰ نخستین کلنی پیوریتانی در آمریکا را به نام ماساچوست تأسیس کردند. رویکردهای عهد عتیقی پیوریتانیسم تا به آن انـدازه بـود که پیـوریتان‌ها در ابتدا قصد داشتند نام نیواسرائیل را به سرزمین آمریکا بدهند. (دوست محمدی و رجبی،همان: ۱۴۳)

مسیحیت صیهونیست و ارض مقدس

تغییر نگرش به یهودیان و قوم برگزیده نامیدن آنان با نهضت اصلاح دینی آغاز شد. این نوع تغییر نگرش در دوره های بعد به بازگشت به متون توراتی در مسیحیت صیهونسیت انجامید. مسیحیت صیهونیست یک جریان افراطی مسیحی است که با تکیه بر تفاسیر تحت الفظی متون مقدس خواهان تحقق پیش گویی های کتاب مقدس برای ظهور عیسی مسیح است. ریشه های شکل گیری آن به نهضت اصلاح دینی و در شاخه ای از کالونیسم تحت نام پیوریتانیسم به اوج رسید. اندیشه های بازگشت یهودیان به سرزمین مقدس برمبنای پیش گویی های کتاب مقدس از قرن ۱۶ میلادی از انگلستان به سایر نقاط اروپا نیز تسری پیدا کرد و به ویژه در قرن ۱۷ در آمریکا بسیار قدرتمند شد. (صاحب خلق،همان:۱۰۵) به عنوان مثال ویلیسون رئیس جمهور آمریکا در این خصوص اعلام می دارد که: «من به عنوان فرزند یک کشیش پروتستان در مقابل سرزمین های مقدس و بازگردانیدن آن ها به صاحبان اصلی آن ها احساس وظیفه می نمایم». هم چنین مذاهب مختلف پروتستان که پس از جریان موسوم به بیداری بزرگ دینی که در قرن نوزدهم به وجود آمدند، ایده ای بازگشت به سرزمین موعود را در نظام سیاسی آمریکا نهادینه ساختند. مذاهب جدید پروتستانی همواره توجه مخصوصی به ارض مقدس داشته اند و آن را از ملزومات ظهور مسیح می دانستند. مذاهبی مانند برادران پلیموت(داربایت ها)،ادونتیست ها، مورمونیسم، شاهدان یهوه از جمله مهم ترین مذاهب جدیدی هستند که در جریان موسوم به بیداری بزرگ دینی در قرن نوزدهم براساس تعالیم عهد عتیق حمایت های گسترده ای از یهودیان به عمل آوردند.(مولند، ۱۳۸۱: ۴۸۰-۴۲۵)

اسطوره پوگروم و هلوکاست

علاوه بر الاهیات پروتستانی که به تغییر نگرش نسبت یهودیان از قاتلان مسیح به قوم برتر و برگزیده انجامید، وقایع دیگری نیز رخ داد که یهودیان را برای بازگشت به سرزمین مقدس مصمم کرد و هم چنین به مظلوم نمایی تاریخی قوم یهود در اذهان عمومی مدد رساند. نخستین رویداد واقعه پوگروم است. پوگروم واژه ای روسی به معنای شورش، حمله و کشتار گروهی به دست

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

گروهی دیگر است. در سال ۱۸۸۱میلادی، الکساندر دوم تزار روس توسط گروهی از یهودیان افراطی به قتل رسید. به دنبال این واقعه روسیه تزاری دست به تصفیه و اخراج یهودیان زد. یهود ستیزی موسوم به پوگروم منجر به اعمال محدودیت هایی در زمینه ی صنعت و تجارت، مشاغل قضایی، حق رای و محصور شدن در مکان های خاص برای یهودیان شد. برطبق تفکر یهودی این واقعه منجر به مهاجرت بسیاری از یهودیان گردید. این مسئله در نزد یهودیان از چنان اهمیتی برخورداراست که جنبش های صیهونیستی جدیدی مانند هیبت زیتون، بنی زیتون و اهوت زیتون براساس آن شکل گرفت. (احمدوند، ۱۳۸۳ : ۳۸-۳۷) دومین رخدادی که مقدمات بازگشت یهودیان به ارض مقدس را مهیا نمود؛ واقعه (اسطوره) هلوکاست است. اسطوره هلوکاست به سوزاندان عده ای از یهودیان در جنگ جهانی دوم به دست دولت آلمان نازی اشاره دارد که برطبق آن بنیانی برای تبلیغات گسترده و مظلوم نمایی یهودی در جهان گردید. در اینجا بحث صدق و کذب و صحت و سقم مسئله مدنظر نیست. در حقیقت در نگاه یهودی در آتش سوزاندان ٦ میلیون یهودی باردیگر این مسئله را برایشان اثبات می نماید که تنها راه جلوگیری از حوادثی این چنینی تشکیل حکومتی یهودی در سرزمینی معین است. به تعبیری ساده تر، نتایج این رویدادها برای یهودیان این بود که عده ای معتقد شدند که برای این که جودا فوبیا (یهود ترسی) ازبین برود، باید یهودیان کشور خاص خود را داشته باشند و به آن مهاجرت نمایند.(همان، ٤٠-٣٧)

بازگشت به سرزمین مقدس در مسیحیت صیهونیست

مبانی اندیشگی مسیحیت صیهونیستی بر اساس دو ایده طرح ریزی شده است: اول وحیانی و نقدناپذیر بودن کتاب مقدس و دوم فرا رسیدن آخرالزمان و بازگشت مجدد حضرت مسیح. موعود گرایی موجود مراحلی را در نظر می گیرد که به انجام رسیدن آنان برای ظهور مسیح اساسی است. مراحل هفت گانه ی آخرالازمانی شامل مراحل زیر می شود.۱.بازگشت یهودیان به سرزمین مقدس؛۲.ایجاد دولت یهود و بازسازی معبدسلیمان؛۳. موعظه شدن انجیل به بنی اسرائیل و دیگران؛ ٤. حصول مرحله شَعَف؛[1]۵.دوران فلاکت و محنت؛٦. وقوع جنگ آرماگدون؛۷.شکست دجال و استقرار پادشاهی مسیح.(صاحب خلق،همان:۹۱-۹۰ ؛ دوست محمدی و رجبی،همان:١٤٦-١٤٥ ؛ احمدوند و عزیزخانی(۱۳۸۹) در تفکر آخرالازمانی مسیحیت صیهونیستی

[1] Rapture

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

برای بازگشت مسیح مقدماتی لازم است که رکن اساسی آن، تشکیل حکومت یهودی در فلسطین است. بنابراین یهودیان جایگاه برجسته‌ای در تئولوژی آخرالزمانی آنان دارند. مسیحیت صهیونیست تا بدان‌جا سرنوشت خود را با سرنوشت یهودیان گره زده که گویی مسیحیتی یهودی شده است. (احمدوند و عزیزی،۱۳۸۹: ۱۰۰) براساس مبانی اندیشه ای آنان بازگشت یهودیان به فلسطین و تشکیل دولت یهودی به عنوان مقدمه امری واجب بود که این اتفاق مهم با پایان یافتن قیمومیت بریتانیا بر فلسطین در سال ۱۹٤۸ و اعلام موجودیت اسرائیل و شناسایی آن از سوی سازمان ملل متحد حاصل شد. (ادواردز و هینچ،۱۳۸٤: ۱۳-۱۲) در نزد یهودیان بازگشت به سرزمین مقدس با هویت و بقای آنان ارتباط مستقیمی دارد. رابی کوک عارف و صیهونیست مذهبی در این باره می گوید: «ارض موعود چیزی مستقل از سرزمین یهودیان نیست، این زمین صرفا یک قلمرو ملی نیست، بلکه عامل انسجام، وحدت و رمز بقای روحی و روانی مردم ماست. ارض موعود بخشی از جوهره اصلی ملیت ماست. به لحاظ ارگانیک بخشی از قلمرو اعتقادات، حوزه کنش و زندگی روزمره ماست و بدون وجود ارض مقدس زندگی برای ما غیرممکن است».(احمدوند، ۱۳۸٤: ۱۱۸).

انتخاب بیت المقدس به پایتختی اسرائیل(تکمیل دولت سازی یهودی)

پذیرش اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل از سوی دونالد ترامپ در حقیقت ریشه در منظومه های معنایی – دینی دارد که از الاهیات توراتی– انجلیلی و از اعتقادات آخرالازمانی یهودیان و مسیحیان نشات می گیرد. پذیرش اورشلیم(بیت المقدس) در حقیقت تکمیل کننده تشکیل دولت یهود است؛ زیرا براساس آموزه های آخرالازمانی مورد پذیرش آنان، اورشلیم شهر مقدسی است که توسط داود ساخته شده و براساس عهد یهوه به ابرهیم و ذریه او(اسحاق) بخشیده شده است. تبعیض های نژادی و سخت گیری های عمومی نسبت به فلسطینیان و شهرک سازی های یهودی در بیت المقدس در این راستا ارزیابی و تحلیل می شود. پذیرش اورشلیم به عنوان پایتخت و پذیرش جهانی آن در واقع اتمام پروژه دولت سازی یهودی در ارض مقدس است. از دیگر ملزومات موعودگرایانه و آخرالازمانی آنان بازسازیی معبد سلیمان است. تسلط مسلمانان بر بیت المقدس در نظر آنان به منزله تسلط شیطان بر ارض مقدس است. در کنگره صیهونیستی که در

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

سال ۱۹۹۸ تشکیل شد، یک صیهونیست درباره وجود پلیدی در بیت المقدس و لزوم پاکسازی آن گفته شد که : « رسالت آزاد سازی کوه معبد و پاک سازی، تکرار می کنم پاکسازی پلیدی از حرم شریف بر نسل کنونی است... قوم یهود بر دروازه های منتهی به کوه معبد توقف نخواهد داشت... ما پرچم اسرائیل را بر فراز کوه معبد به اهتزاز درخواهیم آورد و دیگر قبه الصخره و مساجدش در آن وجود نخواهند داشت، بلکه تنها پرچم اسرائیل و معبدها در آن خواهد بود».(سایزر،۱۳۸٦: ٤۳۹) صیهونیست مسیحی آرزوی دوباره سازی معبد (هیکل) سلیمان را در سر دارد.(ماضی، ۱۳۸۱ :۵۵) لازمه بازسازی معبد، تخریب مسجدالاقصی و قبه الصخره است. بنابراین تخریب مسجدالاقصی و قبه الصخره و بازسازی معبد سلیمان سناریو احتمالی دیگر در بیت المقدس در آینده می تواند در نظر گرفته شود. انتقال پایتخت به بیت المقدس و پذیرش جهانی آن(درصورت تحقق آن) می تواند ضمن مشروعیت بخشیدن به رژیم اسرائیل مقدمات بازسازی معبد و تخریب مسجدالانبی را در پی داشته باشد.

براساس مطالب گفته شده می توان مدعی بود که طرف یهودی- مسیحی با بهره گیری از منظومه های معنادار و هویتی برگرفته از متون مقدس خود از قبیل «قوم برگزیده»، « عهد یهوه به ابراهیم»،«اسارت بابلی و دیاسپورا»،«بازگشت به سرزمین مقدس» و «آموزه های آخرالازمانی و موعودگرا» به اتخاذ چنین تصمیمی رسیده است و در این میان از وقایع تاریخی کمک کننده مانند «پوگروم» و «هلوکاست» در طول سالیان گذشته بیشترین بهره را نیز گرفته است. پذیرش بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل حاوی نکته ی مهم دیگری است و آن نکته «در نظر گرفتن شرایط زمانی و وضعیت عمومی جهان اسلام» است. به تعبیری دیگر، دونالد ترامپ و تیم وی در شرایط خلاء به این جمع بندی نرسیدند و از وضعیت بحرانی فراگیر جهان اسلام آگاهی داشته اند و سپس به اتخاذ تصمیم رسیده اند. جنگ داخلی سوریه و ظهور داعش، جنگ یمن، بحران بحرین، بحران لبنان، بحران لیبی، تحولات عراق، ناامنی های ترکیه ، محاصره قطر، تنش های پایان ناپذیر ایران و عربستان و نزدیکی عربستان به اسرائیل همه و همه بیانگر وضعیت عمومی رو به اضمحلال جهان اسلام است. جمیع این عوامل(چه منابع معنایی دینی و آخرالازمانی یهودی- مسیحی و چه شرایط بحرانی جهان اسلام) دست به دست هم داده و به اتخاذ این تصمیم منجر شده است.

واکنش جهان اسلام به موجودیت اسرائیل (منظومه های معنایی مسلمانان در مقابله با آن)

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

طرف یهودی- مسیحی بحران با بهره گیری از منظومه های معنایی برگرفته از متون مقدس خود و با درک شرایط عمومی جهان اسلام به انتقال پایتخت از تل آویو به بیت المقدس رسیده است و تصمیم اخیر مبتنی برآگاهی بوده است. حال باید دید منظومه های معنایی دولت های اسلامی در برخورد با این پدیده بر چه الگوهایی استوار بوده است. در واقع باید دید، در مقابله با موجودیت رژیم اسرائیل آیا بازیگر اسلامی(دولت های مسلمان) مانند طرف یهودی از منظومه های معنایی دینی استفاده کرده است یا از الگوی دیگری پیروی کرده است و نتیجه آن در مقابله با اسرائیل چه بوده است؟

براساس واقعیت های تاریخی، اندکی پس از اعلام استقلال اسرائیل در۱۵می ۱۹٤۸ نبردی میان واحدهای از ارتش کشورهای عربی(مصر، اردن و سوریه) با ارتش اسرائیل درگرفت. اتخاذ راهبرد نظامی و جنگ، نخستین راهکار دولت های عرب برای مقابله با بحران بود. نتیجه ی اتخاذ چنین راهبردی، شکست اعراب در جنگ بود و براساس آن مناطق تحت کنترل اسرائیل از ١٤هزارکیلومتر پیش بینی شده در طرح سازمان ملل به ۲۱هزار کیلومتر رسید و دولت تازه تاسیس اسرائیل بر ¾ فلسطین استیلا یافت.(ادواردز و هینچ کلیف،١٣٨٤: ۳۲) نتیجه ی مهم دیگر جنگ ۱۹٤۸ در حقیقت ظهور ناسیونالیسم عربی در سراسر منطقه خاورمیانه بود. کودتای افسران آزاد در مصر، شروع این فرآیند بود و در پی آن مصر تبدیل به بلندگوی ناسیونالیسم عرب و وحدت عربی برعلیه صیهونیسم شد. پس از شکست اعراب در نخستین جنگ، منظومه معنایی – هویتی براساس عنصر قومیت، محور راهبردهای دولت های عربی قرار گرفت. بنیان تفکرات جمال عبدالناصر به عنوان تئوریسین وحدت عربی در حقیقت تاکید برحوزه تمدنی عرب بود.(رجایی، ۱۳۷۳: ۲۹۳) در راستای تحقق پان عربیسم، جمال عبدالناصر قراردادهای نظامی با سوریه، یمن و عربستان سعودی امضا کرد و ناسیونالیسم پرشور عرب مقدمات سخت افزاری جنگ های بعدی را مهیا نمود. نتایج جنگ هایی که بر بنیاد محوریت عربی و پایه ناسیونالیسم استوار بود، شکست مفتضحانه برای دولت های عربی بود؛ زیرا به دنبال جنگ ٦ روزه ۱۹٦۷ ارتش اسرائیل توانست اراضی واقع در صحرای سینا، نوار غزه، بلندهای جولان و کرانه های غربی رود اردن به اشغال خود درآورد و براساس آن جنگ، سرزمین های تحت حاکمیت اسرائیل به ٦ برابر رسید. در جنگ ۱۹۷۳ اتفاق مهم دیگری افتاد که می توان شکست تفکر ناسیونالیستی عربی در رویارویی نظامی با اسرائیل را به وضوح دید. تفاوت جنگ ۱۹۷۳ با جنگ های دیگر در این است که در این جنگ،

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

بازپس گیری سرزمین های از دست رفته برای کشورهای عربی در اولویت قرار گرفت (ادواردز و هینچ کلیف،همان: ۱۸-۱۵) و نتیجه آن مانند جنگ های قبلی شکست رویکرد ناسیونالیستی مبتنی برقومیت عربی بود. ناتوانی در رویارویی نظامی و از دست رفتن سرزمین های بیشتر مقدمات تغییر راهبرد نظامی به راهبرد صلح وسازش را فراهم نمود. در این مرحله بازیگر عربی با واقعیت اسرائیل کنار آمد و از راه صلح به دنبال بازپس گیری سرزمنی های اشغالی خود برآمد. بنابراین پس از شکست های پی در پی دولت های عربی از جمله مصر به روند صلح و سازش تن دادند و جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا توانست با میانجی گری مقدمات پروژه صلح در فلسطین را هموار سازد و پروژه صلح و سازش در کمپ دیوید نمود عملی پیدا کرد.((همانجا) رویکردها و راهبردهای اعراب نتایجی را در برداشت و می توان گفت؛ درست زمانی که طرف یهودی-مسیحی بر الاهیات مذهبی پای می فشرد و آن را اساس هویت بخشی خود قرار می داد، اعراب به جای اسلام برعربیت تاکید می ورزیدند و منافع جمعی قوم عرب را بر امت اسلام رجحان بخشیدند.(رجایی، ۱۳۸۱ :ز) دولت های عربی در برخورد با بحران فلسطین، ابتدا این مشکل را مشکل جهان عرب تفسیر کردند و بر ناسیونالیسم عربی پای فشردند. در چنین تفسیر هنجاری، دولت های عربی با قرار دادن مسئله فلسطین در چهارچوب تنگ عربی و نه ظرف اسلامی از توان عظیم کشورهای اسلامی غیرعرب بی بهره ماندند.(برزگر،۱۳۸۳: ۵۱)

تحقیقات پیترز در کتاب «مقاومت و جهاد در برابر استعمار» مدعای فوق را تایید می نماید. وی در کتاب فوق به این نتیجه رسیده است که در جنگ های اعراب و اسرائیل، دولت های عربی هیچ گاه از ادبیات جهادی علیه اسرائیل استفاده نکردند. حتی دایره عربیت در این رویارویی به کشورهای عربی هم مرز با اسرائیل و فاقد مرز مشترک با اسرائیل تقسیم شد و بحران برای کشورهای هم مرز مسئله اصلی و برای دیگران در اولویت بعد قرارگرفت.(برزگر،همان: ۵۳-۵۱) به تعبیری روشن تر، طرف یهودی با استفاده از مفاهیم دینی و مذهبی به دنبال تحقق بخشیدن به وعده های توراتی خود بودند. ازجمله موشه دایان در این مورد پس از پیروزی در جنگ ۱۹۶۷ گـفته است : «هـر کس مذهبی نبود، امروز مذهبی شده است»؛ زیرا با اشغال قدس مرزهای اسرائیل با مـرزهای ارض موعود، مطابقت بیشتری پیدا می‌کرد. هم‌چنین زمینه دیگر ظهور مسیح را که تخریب مـسجدالاقصی و قبةالصخره است فراهم مـی‌آورد. بـه علاوه، اشغال جنوب لبنان (در سال ۱۹۸۲)، باز مرزهای اسرائیل را به سوی اسرائیل بزرگ یا توراتیِ از نیل تا فرات، توسعه

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

بخشید. (صاحب خلق،همان: ٤٥-٣٩)

ناتوانی ناسیونالیسم عربی در پیروزی در جنگ به سرخوردگی مردم فلسطین منجر شد و به گفته «اسپوزیتو» وقتی کـه در جـریان مبارزه فلسطینی‌ها با اسرائیل، فلسطینیان دریافتند که رهبرانشان از حل بحران عاجزند، به اسـلام روی آوردنـد و از آن پس ماهیت مبارزه از ملیت گرایی و نـاسیونالیسم عـربی بـه اسلامی تبدیل شـد.(Esposito,1992,p.183) با وقوع انقلاب اسلامی در ایران روند اسلامی نمودن مبارزه با اسرائیل و بازگشت به منبع هویتی اسلامی ای سرلوحه سیاست های اصولی جمهوری اسلامی قرارگرفت. در حقیقت تاکید جمهوری اسلامی بر ماهیت دینی مسئله و حمایت عملی از گروه های آزادی بخش فلسطینی آنتی تزی بر رویکرد ناسیونالیستی عربی و استراتژی نوینی برای مقابله با اسرائیل بود. با نگاهی به نقطه نظرات بنیانگذار انقلاب اسلامی می توان اسلامی نمودن ماهیت مسئله را مشاهد نمود. امام خمینی(ره) مسئله را با اسلام هم پیوند می دانند: « به خود آیید و شخصیت اسلامی خود را بیابید. زیربار ظلم نروید و هشیارانه نقشه های شوم جهانخواران بین المللی را که در راس آنان آمریکاست، افشا کنید. برهرمسلمانی واجب است خود را علیه اسرائیل مجهز کند».(صحیفه امام،،١٣٧٨، ج٩: ٢٢٦) ایشان فلسطین را اولویت اصلی جهان اسلام در نظرمی گیرند و اسرائیل را جرثومه فساد اعلام می دارند.(همان،ج ١١: ٢٦٦) و در نهایت به سران کشورهای مسلمان هشدار می دهند: « من خوف آن دارم که خدای ناخواسته یک روز ملت ها و دولت های اسلامی به خود آیند که با دست آمریکای جنایتکار، اسرائیل به خواسته های ظالمانه و جنایتکارانه خود برسد و از مسلیمن کاری ساخته نشود.(همان، ج١٦: ١٨١) اسلامی کردن ماهیت مبارزه و عدم پذیرش راهبرد سازش و صلح ، رویکرد اصولی جمهوری اسلامی در مقابله با اسرائیل بوده است. در واقع جمهوری اسلامی با درک ماهیت مسئله (از بعد اندیشگی برای بازیگر یهودی) از ابتدا بر بُعد اسلامیت آن پای فشرد. در نتیجه ی اتخاذ چنین رویکردی؛ جنبش های اسلامی مبارزی در فلسطین شکل گرفت که تاکتیکشان در مبارزه توسل به اقدامات نظامی بود.(جعفری ولدانی،١٣٨٣: ٩٤) در این نوع نگاه و راهبرد؛ ظرفیت ها، ابزارها، راهکارها، محدوده جغرافیایی و انسانی و نحوه ی مبارزه بسی جلوتر از عربی پنداشتن ماهیت مسئله است. لازم به ذکر است که این طرز تفکر و رویکرد در رویارویی با اسرائیل مابین دولت های اسلامی در منطقه در اقلیت قرار دارد.

آثار و نتایج منطقه ای و بین المللی انتقال پایتخت به بیت المقدس

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

حساسیت موضوع و ارتباط بحران به وجود آمده با منظومه های معنایی ادیان بزرگ و امتزاج یافتن آن با شکاف های قومی و نژادی، بدون شک در ابعاد منطقه ای و بین المللی دارای پیامدها و نتایجی غیرقابل اجتنابی است که می تواند وضعیت پیچیده و بحرانی خاورمیانه را بیش از پیش پیچیده، خطرناک و طوفان زا نماید. هم چنین با توجه به ماهیت دینی بحران می توان مدعی بود که در بحران مذکور عده ای منتفع و دیگری متضرر خواهند شد. گروه های منتفع از وضعیت کنونی خود خوشحال و بازیگران بازنده از نتایج بحران، ناراضی و سرخورده خواهند بود و دقیقا همین عامل می تواند در آینده چالش های نوین و رادیکال تری به وجود آورده و بحران در بیت المقدس را فراگیرتر و منازعه انگیز تر نماید.

تصمیم ترامپ در پذیرش بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل خشم عمومی مسلمانان را برانگیخت. به دنبال آن سران بسیاری از کشورهای مسلمان اعتراضات دیپلماتیک خود را نسبت به این موضوع بیان داشتند و حاضر به پذیرش آن نشدند.(روزنامه رسالت،۱۹آذر،شماره۹۱۰۰) مصر به شورای امنیت متوسل شد و قطعنامه ای را به شورای امنیت ارائه داد. در متن پیش‌نویس آن آمده است، هر تصمیم یا اقدامی که مبتنی بر تغییر ساختار و وضعیت شهر مقدس قدس باشد، تأثیر حقوقی ندارد، باطل است و باید بر اساس قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت لغو شود. مصر در پیش‌نویس این قطعنامه از تمامی کشورها خواستار آن شده که از ایجاد مقررهای دیپلماتیک در قدس مطابق با قطعنامه ٤٧٨ شورای امنیت خودداری کنند. در این قطعنامه همچنین از تمامی کشورها خواسته شده مطابق با قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص قدس عمل کرده و هیچ اقدام یا به رسمیت شناختنی را برخلاف این قطعنامه‌ها انجام ندهند.(منبع: خبرگزاری آریا) با توجه به حق وتوی آمریکا (و وتوی این طرح) در شورای امنیت ارائه این قطعنامه بیشتر حرکتی نمادین در حمایت از مردم فلسطین محسوب می شود. وتوی قطعنامه توسط آمریکا با استقبال نتانیاهو مواجه شده، وی در حساب کاربری خود در توئیتر از نیکی هیلی، سفیر آمریکا در سازمان ملل قدردانی کرد و نوشته: «سپاسگزاریم در این ایام عید حنوکا نور حقیقت را روشن کردید و بر تاریکی چیره شدید. شما نمادی هستید از این واقعیت که یک تن نیز می‌تواند جمعی را شکست دهد؛ حقیقت، دروغ را شکست می‌دهد».(منبع: تابناک) خشم عمومی مسلمانان نخستین پیامد بحران است که به اعتراضات خیابانی کشیده شده است. دولت های مسلمان نیز یکی پس از دیگری به تصمیم ترامپ واکنش نشان داده و آن را محکوم نمودند. اقدام مصر در ارائه پیش نویس

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

قطعنامه ای در محکومیت تصمیم ترامپ به شورای امنیت، بیانیه سازمان کنفرانس اسلامی در محکومیت تصمیم ترامپ، مخالفت اصولی ایران، اعلام بیت المقدس به عنوان پایتخت فلسطین از سوی اردوغان، مخالفت و واکنش دولت های عربی، (روزنامه رسالت،همان) همه بیانگر هویتی شدن بحران مذکور در منطقه است. بحرانی که به نظر می رسد به انتفاضه ای جدیدی در فلسطین بینجامد. پیامد خشم عمومی مسلمانان اعم از دولت ها و مردم در پی این تصمیم به رادیکال شدن فضای عمومی منطقه و احتمالاً به رادیکال شدن جنبش های فلسطینی منجر گردد. فضای که می تواند وضعیت عمومی منطقه خاورمیانه را بحرانی تر و پیش بینی ناپذیر تر و پیچیده تر و چندبعدی تر سازد. درسطح جهانی نیز نگرانی از این وضعیت بحرانی و وقوع احتمالی ناآرامی های عمومی به چشم می خورد و بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای اروپایی نگرانی خود را اعلام داشته و در مخالفت با این تصمیم اعلام موضع نمودند.

منتفعین و متضررین

همان گونه که بیان گردید، بحران به وجود آمده در حقیقت ریشه در منظومه های معنایی – هویتی منبعث از متون دینی برای طرفین دارد که براساس تئوری مسابقه با حاصل جمع صفر، بُرد یک بازیگر درست برابر با باخت بازیگر دیگر در مسابقه است.(لیتل،۱۳۸٦: ۸۲) براین اساس می توان مدعی بود که دو بازیگر(بازیگر یهودی–مسیحی و بازیگر مسلمان) در دو سر بحران قرار دارد که نتیجه این اقدام(درصورت محقق شدن) در واقع بُرد با بازیگر اسرائیلی–آمریکایی و باخت برای بازیگر مسلمان است. با دقت نظر در موضوع می توان مدعی بود که بُرد و باخت بازیگران درگیر با تبعات و نتایجی روبروست که همزمان می تواند از میزان منتفع یا متضرر بودن بازیگران بکاهد. منتفع یا متضرر بودن بازیگران را می توان به صورت زیر دسته بندی نمود.

۱. اسرائیل در واقع بزرگ ترین منتفع بازی است؛ زیرا در نتیجه این تصمیم، مقدمات تحقق بخشیدن به منظومه های دینی و قومی آنان فراهم گردیده است؛ زیرا از نظرآنان در جنگ آرماگدون لشکریان شیطان (اسلام و اعراب) شکست می خورند و مسیح ظهور می کند.(سایزر،۱۳۸٦: ۳۱٦) در این راستا؛ تشکیل دولت یهود و یهودی سازی ارض مقدس در نظر ایشان درحقیقت تکمیل وعده خداوند است و براین مبنا، هیل لیندسکی ادعا کرده که دولت اسرائیل کانون تمامی پیش گویی های وحیانی است.(قنبری آلانق،۱۳۸٦: ۹۷) یهودی سازی بیت

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

المقدس و تکمیل دولت سازی یهودی و تلاش برای زدودن آثار اسلامی در بیت المقدس از جمله اموری هستند که مدعای حاضر را تایید می نمایند.

۲. آمریکا از جمله بازیگران درگیر در بحران است که مانند بازیگر یهودی در واقع برنده بازی است؛ زیرا در آموزه های آخرالازمانی ایوانجلیکی؛ دولت آمریکا رهبری جنگ آرماگدون را برعهده دارد. همان گونه که هال لیندسی در کتاب «پیش‌گویی‌های انـجیل، جـای آمریکا کجاست؟» ثابت می کند که دولت آمریکا رهبری جنگ آرماگدون را کـه پس از آن، مـسیح در اسرائیل فرود می‌آید، بر عهده دارد.(شیرودی،۱۳۸٦: ۳٦) پس تصمیم بازیگر آمریکایی در واقع مقدمه ای برای تحقق بخشیدن به آموزه های آخرالزمانی محسوب می گردد و در صورت تحقق و پذیرش جهانی آن یک پیروزی بزرگ برای آنان به حساب می آید. لیکن اتخاذ چنین حرکتی، تبعات و نتایجی در ابعاد سیاسی و حقوقی در سطح بین المللی برای آمریکا به وجود آورده که از میزان منتفع شدن آن در تئوری مسابقه می کاهد. نخستین نتیجه آن در واقع اجماع بی سابقه جهانی علیه آمریکا در این موضوع است. اجماعی که در بعد از وتوی طرح مصر در شورای امنیت ودر مجمع عمومی سازمان ملل رخ داد. ۱۲۸ رای موافق و تنها ۹ رای مخالف(آن هم کشورهای ناشناخته و کوچک) در مجمع عمومی سازمان ملل در رد تصمیم ترامپ (روزنامه ایران،۲۸آذر: شماره٦٦٧۰) در حقیقت نشان می دهد که قدرت نرم آمریکا برای اجماع سازی جهانی حداقل در این موضوع با شکستی مفتضحانه روبرو شده است. روزنامه «دیلی صباح» ترکیه به درستی در این باره نوشت که قدرت نرم ایالات متحده به کمترین میزان خود در یک قرن اخیر تنزل پیدا کرده است.(منبع:سایت خبری تابناک) دستگاه دیپلماسی آمریکا و در راس آن آقای ترامپ حتی با زبان تهدید(قطع کمک مالی آمریکا به کشورهایی که علیه تصمیم ترامپ در مجمع رای می دهند) نیز نتوانست جلوی این اجماع جهانی را بگیرد.(منبع: خبرگزاری فارس) دومین محوری که از منتفع شدن آمریکا در بحران کنونی به شدت می کاهد، از بین رفتن نقش محوری آمریکا در حل و فصل منازعه اسرائیل و فلسطین است. آمریکا درطول منازعات اسرائیل و اعراب همواره نقشی میانجی و داور را ایفا می نمود که با اتخاذ این سیاست از سوی ترامپ نقش میانجی، واسط و داور بودن آمریکا در روند صلح حداقل در برهه کنونی از دست رفت.در تأیید این مدعا؛ ریاض مالکی وزیرخارجه فلسطین در این باره اظهارکرد:«تشکیلات خودگردان نخواهد پذیرفت که واشنگتن به نقش خود برای نظارت برروند صلح ادامه دهد. (روزنامه رسالت،۲۰ آذر،شماره۹۱۰۱) نکته

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

دیگری که در این تصمیم نهفته است؛ مغایریت آن با برخی از اصول مورد قبول در دکترین جدید امنیت ملی آمریکاست به گونه ای که در بخش های ازاین سند بر روند صلح جامع و مورد قبول طرفین در فلسطین تاکید شده است و اتخاذ چنین تصمیمی در تضاد با دکترین جدید امنیت ملی آمریکا قرار دارد.(NATIONAL SECURITY STRATEGE of the United States of America, DECEMBER2017, PP.48-50)

سومین موضوعی که باید به آن اشاره شود؛ بی توجهی آمریکا به قطعنامه های سازمان ملل در طول سالیان در مورد وضعیت فلسطین و بیت المقدس است. مهم ترین قطعنامه شورای امنیت در مورد وضعیت قدس، قطعنامه ٤٧٨ است که پایتخت اعلام نمودن قدس از سوی اسرائیل در سال ۱۹۸۰ را مغایر حقوق بین الملل دانسته است. (ملکی، ۱۳۷۸، ٤٠٢)در پیش نویس طرح مصر به مفاد قطعنامه ٤٧٨ نیز اشاره گردیده که بر طبق آن، از همه کشورها می خواهد تا از تاسیس دفاتر نمایندگی دیپلماتیک در قدس خودداری کنند. آمریکا به عنوان یکی از پنج عضو دایم شورای امنیت باید پاسدار قطعنامه های باشد که خود نیز به آن رای داده است و اتخاذ چنین تصمیمی از سوی ترامپ در حقیقت نشان می دهد که آمریکا به شورای امنیت و قطعنامه های آن پایبندی عملی ندارد و این از دیگر نتایجی است که منافع ایالات متحده در این بحران را با خطر رو برو می سازد.

۳. بازیگران مسلمان؛ مردم فلسطین ازجمله بزرگ ترین متضررین این عمل هستند؛ زیرا این اقدام وضعیت مبهم فلسطین را مبهم تر کرده و دست یافتن آنان به ایجاد دولتی فلسطینی را دست نیافتی تر. عربستان سعودی و دیگر دولت های عربی از دیگر متضررین محسوب می شوند. نخستین دلیل این است که دولت های عربی در واقع در سال های نه چندان دور مسئولیت نبرد علیه اسرائیل را برعهده داشتند و دوم این است که برای آنان علاوه بر بعد اسلامیت، بعد عربی قضیه نیز گواه دیگری است که نشان از پراهمیتی موضوع دارد و انفعال آنان در این باب نشان از شکست سیاست های آنان در قبال اسرائیل است. وضعیت ایران در این مسابقه از قواعد بازی با حاصل جمع صفر نیز پیروی می کند و در صورت انتقال عملی پایتخت اسرائیل به بیت المقدس وپذیرش جهانی آن عملاً ایران هم در جبهه متضررین قرار خواهد گرفت. البته با دقت نظر به موضوع می توان مدعی بود که رویکردهای ایران نسبت به موضوع در آینده می تواند مقبولیت بیشتری در جهان اسلام کسب نماید. رویکرد اسلامی کردن موضوع، رویکرد و سیاست اصولی

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

جمهوری اسلامی در مقابله با اسرائیل است که همواره مورد تاکید قرار گرفته و این سیاست عملاً ابزارها و فرصت های بیشتری چه از بعد جغرافیایی و چه از بعد انسانی در اختیار جهان اسلام قرار می دهد. دومین موضوع تاکتیک جمهوری اسلامی در مقابله با اسرائیل است که مبتنی بر حمایت همه جانبه از گروه های جهادگر (از قبیل حماس، جهاد اسلامی و حزب الله) است. شکست سیاست صلح و سازش و نتیجه بخش نبودن این رویکرد می تواند بر مقبولیت مبارزه از زاویه ای که جمهوری اسلامی به آن می نگرد، بیفزاید. به تعبیری دیگر ماهیت اسلامی موضوع و تاکتیک رسیدن به آن از جمله سیاست های است که می تواند از تبعات بازی با حاصل جمع صفر برای جمهوری اسلامی بکاهد.

نتیجه گیری

این پژوهش تلاشی است برای یافتن پاسخی مناسب به سوالاتی از قبیل کدام منظومه های هویتی – معنایی دینی تصمیم ترامپ را در خصوص پذیرش بیت المقدس به عنوان پایتخت اسراییل حمایت و پشتیبانی می کند؟ و آثار و پیامدهای این تصمیم در سطح منطقه ای و بین المللی برای بازیگران درگیر بحران چه خواهد بود؟ براین اساس و در راستای پاسخ درخور نظر الاهیات یهودی در مورد قوم یهود و ارض مقدس نظری افکندیم و دیدیم که براساس تعالیم یهود، سرزمین کنعان از جانب یهوه به ابراهیم و فرزندان وی(اسحاق) وعده داده شده بود. درهمین راستا تاریخ قوم یهود با جدایی از سرزمین وعده داده شده گِره خورده است.جدایی قوم یهود از سرزمین وعده داده شده به شکل گیری منظومه هایی معنایی و هویتی از قبیل بازگشت به سرزمین موعود و انتظار ظهور منجی برای رهایی آنان انجامید. در ادامه در روندی تاریخی مشاهده کردیم که نهضت پروتستان ذهنیت منفی تاریخی نسبت به یهودیان را یکباره شست و در نظر فرقه های مختلف

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

پروتستان از یهودیان به عنوان قوم برگزیده و دارای ژن برتر نام برده شد.رجوع به تفکرات توراتی از نهضت پروتستان آغاز گردید و در مسیحیت صیهونیست به اوج خود رسید. در حقیقت آموزه های مسیحیت صیهونیستی از دیگر منظومه های حامی تصمیم ترامپ است؛ زیرا مسیحیت صیهونیست یک جریان افراطی مسیحی است که با تکیه بر تفاسیر تحت الفظی متون مقدس خواهان تحقق پیش گویی های کتاب مقدس برای ظهور عیسی مسیح است. در راستای آموزه های آنان و برای ظهور عیسی مسیح مقدماتی لازم است که نخستین مرحله آن بازگشت یهودیان به سرزمین مقدس و تشکیل دولت یهودی در آنجاست. درسال ۱۹٤۸ دولت اسرائیل رسماً موجودیت می یابد؛ لیکن با قطعنامه های سازمان ملل از اعلام بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل جلوگیری می شود. جنبش مسیحیت صیهونیست برای تحقق شرایط ظهور منجی بر بازسازیی معبد سلیمان و یهودی سازی بیت المقدس تاکید فراوانی دارد و این مهم را از ضروری ترین مقدمات می داند. در واقع تصمیم ترامپ در پذیرش بیت المقدس به پایتختی اسرائیل در حقیقت اتمام پرژوه دولت سازی و یهودی سازی بیت المقدس است. بر همین اساس بازسازی معبد سلیمان می تواند از سناریوهایی احتمالی در این شهر مقدس باشد؛ زیرا براساس تعالیم آنان مسجدالاقصی بر ویرانه های معبدسلیمان بنا شده است و بازسازیی معبد از نظر آنان از دیگر ملزومات ظهور عیسی مسیح است. به بیانی دیگر تصمیم ترامپ ریشه در این بنیان های مذهبی و دینی دارد و این عمل با آگاهی انجام گردیده است و هم چنین شرایط بحرانی موجود در جهان اسلام از قبیل جنگ های داخلی، شورش ها و ظهور بنیادگرایی داعشی در اتخاذ این تصمیم در زمان کنونی مؤثر واقع گردیده است. می توان اسرائیل را برنده اصلی بحران(درصورت تحقق و پذیرش جهانی آن) نامید؛ زیرا این رژیم مدت ها به دنبال تحقق بخشیدن به آرمان های دینی خود در فلسطین است.آمریکا در راستای تحقق و بسترسازی آموزه های آخرالازمانی مورد نظر حاکمان خود از دیگر منتفعین بحران است؛ لیکن در پی اتخاذ این تصمیم آسیب های نیز برای ایالات متحده متصور است از جمله به وجود آمدن اجماع بی سابقه جهانی علیه تصمیم ترامپ، از دست رفتن نقش میانجی و داور بودن آمریکا در بحران اسرائیل و فلسطین و عدم پایبندی آمریکا به قطعنامه های شورای امنیت که نشان دهنده ی بی توجهی آنان به تصمیماتی است که خود از جمله آن تصمیم گیرندگان بودند. به تعبیری دیگر از بُعدی حقوق بین الملل نیز ضررهایی دامن گیر آمریکا دراین بحران شده است.وضعیت عمومی جهان اسلام در این بحران از دو منظر مورد توجه

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

قرار گرفت.از منظر نخست اتخاذ این تصمیم در صورت پذیرش جهانی آن به معنایی شکست عمومی جهان اسلام است. از منظر دیگر به وجود آمدن همین اجماع بی سابقه علیه تصمیم ترامپ می تواند نقطه امیدی برای آنان باشد. نکته قابل ذکر در میان متضررین بحران دسته بندی آنان به چندگروه است. اعراب و در رأس آنان عربستان؛ بزرگ ترین بازنده های بحران لقب می گیرند؛ زیرا برای آنان علاوه بر بعد اسلامیت، بعد قومی قضیه نیز هم چنان مفتوح است و انفعال آنان به معنای شکست همه جانبه است. در این میان رویکردهای اصولی جمهوری اسلامی از جمله اسلامی نمودن ماهیت بحران(مانند تأکید بازیگر یهودی-مسیحی بر مذهبی نمودن) و عدم پذیرش صلح و سازش و حمایت از جنبش های مبارز می تواند در آینده در نزد مسلمانان از مقبولیت بیشتری برخوردار گردد.نتایج و پیامدهای ذکر شده را می توان پاسخی درخور برای سوال دوم نامید.

کتابنامه

قرآن کریم.

تورات ترجمه فارسی.

اپستین، ایزیدور (۱۳۸۵)، ترجمه بهروز سالکی، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

احمدوند، شجاع و عزیزخانی، احمد (۱۳۸۹)، آخرالازمان در نگاه مکتب مسیحیت صیهونیست، فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، سال چهارم، شماره ١٤.

احمدوند، شجاع (۱۳۸۳)، اسرائیل و ایدئولوژی صیهونیسم سیاسی، پژوهش حقوق و سیاست ، شماره ۱۲.

احمدوند، شجاع (١٣٨٤)، تأملی نظری در تکوین دولت صیهونیستی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره١٤.

انصاری قمی، حسن(۱۳۸۰)، جایگاه تاریخی و دینی بین المقدس،کتاب ماه دین، شماره ٦٣.

برزگر، ابراهیم(۱۳۸۳)، مساله فلسطین دراندیشه سیاسی اسلام معاصر و روش جستاری اسپریگنز، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۲.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

جعفری ولدانی، اصغر(۱۳۸۳)، اسلام گرایی در فلسطین و زمینه های آن، مجله پژوهش حقوق و سیاست، بهار ۱۳۸۳ شماره ۱۰.
حمیدی، سیدجعفر (۱۳۸۸)،تاریخ اورشلیم،تهران:انتشارات امیرکبیر.
خمینی(ره)، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، ۲۲ جلد.
دوست محمدی، احمد و رجبی، محمود(۱۳۸۸)، درآمدی بر زمینه های پیدایش و مبانی عقیدتی مسیحیت صیهونیستی، فصلنامه سیاست،شماره ۹.
رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)، درآمدی براندیشه سیاسی معاصرعرب، مجله مطالعات خاورمیانه، شماره۲.
رجایی، فرهنگ (۱۳۸۱)، اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب، تهران مرکز پزوهش های خاورمیانه.
سایزر، استیون (۱۳۸٦)، صیهونیسم مسیحی نقشهٔ راه به سوی آرماگدون، ترجمه حمید بخشنده و قدسیه جوانمرد، قم. طه.
سایزر، استیون (۱۳۸٦)، صهیونیسم مسیحی، ترجمه: حمیده بخشنده و قدسیه جوانمرد، قم، طه
شاله، فلییسین، (۱۳۵۵ش)، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه خداد محبی، چاپ دوم: تهران.
شیرودی، مرتضی (۱۳۸٦) رویارویی انقلاب اسلامی با نظریه های مسیحیت صیهونیستی، اندیشه تقریب، شماره ۱۲.
فضایی، یوسف (۱۳٦۱)،سیرتحولی دین های یهود و مسیح،تهران:عطایی.
قنبری آلانق، محسن (۱۳۸٦)، اسطوره های صیهونیسم مسیحی و انگاره منجی گرایی، قم، آینده روشن، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۱. سال اول.
کلباسی اشتری، حسین، (۱۳۸٤)، مدخلی برتبارشناسی کتاب مقدس، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
لیتل، دانیل (۱۳۸٦)، تبین د رعلوم اجتماعی،ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
ماضی، محمد (۱۳۸۱)، سیاست و دیانت در اسرائیل، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: سنا.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]

مسیری، عبدالوهاب (۱۳۷٤)، صیهونیسم، ترجمه لواء رودباری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

ملکی، محمدرضا (۱۳۷۸)، قدس و فرآیند صلح اسرائیل و فلسطین، سیاست خارجی، سال سیزدهم.

مولند، اینار (۱۳۸۱)، جهان مسیحیت،ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران: انتشارات امیرکبیر.

میلتون ادواردز، مورلی و هینچ کلیف، پیتر(۱۳۸٤)،بحران در خاورمیانه، ترجمه شهرزاد رستگار شریعت پناهی، تهران: قومس.

ویلسون، برایان (۱۳۸۱)، دین مسیح، ترجمه حسن افشار ، تهران : نشرمرکز.

هاکس، جیمز (۱۳۷۷ش)، قاموس کتاب مقدس، تهران: انتشارات اساطیر.

هلال، رضا (۱۳۸۳)، مسیح یهودی و فرجام جهان، ترجمه قبس زعفرانی، تهران: هلال.

روزنامه رسالت، ۱۹ و ۲۰ آذر، شماره های ۹۱۰۰،۹۱۰۱

روزنامه ایران، ۲۸ آذر، شماره ٦٦۷۰

خبرگزاری آریا

خبرگزاری تابناک

Barnavi, Eli. A Historical Atlas Of the Jewish people: From the time of the .

G.Esposito.The Islamec Threat: Myth or Reality,(New York:Oxford University Press,1992.

Hawks, James (1998), Biblical Gemm, Tehran: The Mythological Publishing.

NATIONIL SECURITY STRATEGE of the United States of America, DECEMBER2017.

partriarchs to the present, London, Hutchinson press, 1992.

Wilson, Brian, (2001), Christianity, translated by Hasan Afshar, Tehran: Nashkorm.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.21859/IPSJ.2.1.105]